

یادی از استاد درگذشته، صدرالافاضل دکتر محمد فاضلی

شهباز محسنی

بیست و پنجم آبان ۱۴۰۴ دریگا که استاد همیشه در یاد و کم نظیر ادبیات عرب و نقد ادبی، دکتر محمد فاضلی در ۸۷ سالگی در مشهد درگذشت.

دکتر محمد فاضلی در ۱۳۱۷ خورشیدی در روستای درگاه سلیمان در نزدیکی شهرستان سقز (استان کردستان) در خانواده‌ای اهل علم و ادب پا به دنیا گذاشت. پدرش ماموستا احمد فاضلی مشهور به ماموستا احمد درگاه سلیمانی، خود دانشمند و مدرسی برجسته و نامدار بود که حوزه علمیه بانشاطی را در سقز مدیریت می‌کرد و صدها عالم و طلبه برجسته را پرورده بود. پدر ایشان، ملا احمد فاضلی در زمان طلبگی از هم‌درسان استاد نامدار، احمد ترجانی‌زاده بود که بعدها از استادان مطرح دانشگاه تبریز شد.

۲۷۳

آینه پژوهش | ۲۱۸
سال ۳۷ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۵

استاد فاضلی درباره محیط خانوادگی‌اش در مصاحبه‌ای چنین گفته‌اند: «مادرم، زنی پرهیزکار و خانه‌دار به نام جیران بود تا ۱۳۷۹/۱۲/۱۱ شمسی از نعمت دیدارش بهره‌مند بودم و پدرم ملا احمد فاضلی، شخصی عارف و وارسته، از استادان برجسته حوزه‌های علمیه کردستان به شمار می‌آمد. من یگانه فرزند خانواده نبودم، بلکه برادران و خواهر متعددی داشتم؛ ولی مرگ و میرهای پی‌درپی و بیماری‌های فصلی ناشی از فقدان بهداشت و مراقبت‌های پزشکی، در تنظیم خانواده ما، فعال بود که ثمری آن را به دو پسر و دو دختر تقلیل داد. چنین تنظیمی بدون تردید توأم با سوز و گدازهای پدر و مادر بود و سنگینی بار غم و اندوهی که هرگز از یاد نرفت. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در همان زادگاهم، شروع کردم. معلم و مربی و مرشدم از همان آغاز، پدر بزرگوار و فرشته سیرتم بود. این مرشد بزرگ از من گریز پای و فراری از درس و مدرسه، شاگردی علاقه‌مند ساخت و با زمزمه محبت خویش، مرا مجذوب علم و دانش نمود و در مسیر فعلی قرار داد. خداوند وی را به درجات رفیع جنان و فردوس برین پاداش دهد و از من او را از سر اخلاص و بندگی هزاران یاد باد!».

محمد فاضلی در آغاز در مکتب پدرش علوم دینی و عربی را تحصیل کرد؛ سپس نزد عالمان برجسته کردستان مانند ماموستا کامل نقشبندی، ماموستا شیخ عزالدین حسینی و ماموستا ملاعبدالهادی افخم‌زاده رفت که گرم‌ترین و بانشاط‌ترین محافل درسی را داشتند و همه سطوح علمی و حوزوی را تا بالاترین مدارج آن روزگار نزد آنان گذراند و در میان هم‌دوره‌ای‌هایش به هوش و ذکاوت و قدرت استنباط شهره بود. ایشان در خاطرات شنیدنی فراوانی از تلخ و شیرین‌های ایام طلبگی برایمان نقل می‌کردند و در مقدمه بعضی از کتاب‌هایشان هم یاد از تحصیل دوران

طلبگی و استادانش کرده است؛ از جمله نوشته‌اند: «در ایام تحصیلم در کردستان در میان استادان مدارس علمی و دینی، دو طیف از استادان وجود داشت؛ جمعی از آنان که اکثریت با آنان بود، سنتی بودند و به لحاظ علمی و دروس کلاسیک، درس خوانده‌تر و دقیق‌تر و جمعی نیز که در اقلیت بودند، کسانی بودند که نگاه روشنفکرانه و عصری به مسائل دینی داشتند و متأثر از برجستگان جهان اسلام مانند محمد عبده که من محضر هر دو طیف را درک کردم».

مدتی در روستای ترجان از توابع سقز و نیز دبیرستان سعدی در آن شهر به تدریس و کار معلمی مشغول بود؛ اما عطش یادگیری پژوهش‌های نو و درک و یافتن افق‌های تازه علمی او را به دانشگاه کشاند. بنابراین به تهران منتقل شد و هم‌زمان با معلمی، همه‌مقاطع کارشناسی تا دکترا را در دانشگاه تهران نزد مبرزترین استادان آن زمان دانشگاه مانند استادان ابوالقاسم گرجی، محمد شیخ‌الاسلام کردستانی، امیرحسین یزدگری، عبدالحمید بدیع‌الزمانی سنندجی، مجتبی مینوی و ... گذراند. پایان‌نامه دکترایش با استاد عبدالحمید بدیع‌الزمانی بود که خود نادره زمان بود و همواره از ایشان با عنوان «آبراستاد» یاد می‌کرد. از هم‌دوره‌ای هایش می‌توان استنادی چون احمد مجاهد، شفيعی کدکنی، دکتر سید محمد حسینی، دکتر محمود ابراهیمی، دکتر هادی عالم‌زاده، استاد کمال‌الدین مدرسی و دکتر محمود انوار را نام برد.

در سال ۱۳۴۹ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، پس از گذراندن آزمونی بسیار جدی، به عنوان مربی استخدام شد و پس از چند سال به دعوت استاد غلامحسین یوسفی و با تلاش ایشان به دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی انتقال یافت و در تأسیس مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ادبیات عرب آن دانشگاه، نقش اصلی را ایفا کرد و منشأ خدمات فراوان شد. چنان به امر آموزش و پژوهش سرگرم و در کار خود جدی بود که هیچ‌وقت پیشنهادها و وسوسه‌های قبول مسئولیت اداری را نپذیرفت. در زمان حضور ایشان در دانشگاه فردوسی، گروه ادبیات عرب آن دانشگاه، یکی از بانشاط‌ترین و مطرح‌ترین گروه‌های آموزشی کشور بود. وظایفش را در تعلیم دانشجویان با نهایت سعی و تلاش و دلسوزی فراوان انجام می‌داد و افزون بر دانشگاه، در خانه‌اش نیز شب و روز به روی دانشجویان و تشنگان علم باز بود و برای دانشجویانش دلسوزانه پدري می‌کرد. الگویی راستین در دانش و فضل و تواضع و انسانیت و تقوا و پارسایی بود. افزون بر مشهد، از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ به صورت پروازی در دانشگاه تربیت مدرس و گاه نیز دانشگاه الزهرا و علامه طباطبایی حضور می‌یافت و در مقاطع تکمیلی آنجا تدریس دروس بلاغت را عهده‌دار بود. به قول علما، ذوالجناحین بود؛ هم دروس حوزوی را عمیقاً فرا گرفته بود و هم دروس دانشگاهی را. دکتر فاضلی را معمولاً در ادبیات عرب صاحب‌نظر و برجسته می‌شناسند؛ اما در فقه و اصول و تفسیر و کلام نیز عمیق بود و بعضی از مقالات و کتاب‌هایش گواه این سخن‌اند. قدرت استنباط و اجتهاد علمی

ایشان را در مقالاتی چون «تفسیر طبری در نقد و بررسی»، «ویژگی‌هایی چند از تفسیر المیزان»، «تأملی در صورتگری‌های قرآنی»، «نکته‌سنجی‌های زمخشری در تفسیر کشاف» و ... می‌توان دید.

می‌توان گفت برجستگی کار استاد فاضلی در نوشته‌هایش، رویکرد نقد و تحلیلی است؛ برای نمونه در مقالاتی که درباره تفسیر طبری یا اشعار خاقانی یا ملک الشعرای بهار یا سید قطب یا صادق الرافعی یا دکتر طه حسین و دیگران نوشته است، بعضی از نظرات و تصویرگری‌ها و سخنان آنان را به نقد و چالش می‌کشد و این قدرت تحلیل و درک و دریافت و قوه استنباط و اجتهاد ادبی ایشان را می‌رساند. ایشان نه تنها در ادبیات عرب سرشته داشت، بلکه در فقه و اصول و کلام نیز سرآمد عصر خود بود.

از آثار زنده‌یاد فاضلی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) تألیف

۱. دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة؛ بارها از سوی ناشران مختلف از جمله مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، دانشگاه فردوسی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) منتشر و تجدید چاپ شده است.

۲. التعریف بالمتنبی من خلال أشعاره؛ حاصل فرصت مطالعاتی ایشان در دانشگاه کمبریج انگلستان در سال ۱۳۶۵ است. دو بار در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴ در دانشگاه فردوسی منتشر شده است.

۳. مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر الجاهلی؛ ابتدا سال ۱۳۸۱ در انتشارات سمت منتشر شد و پس از استقبال فراوان از آن، تاکنون هشت بار دیگر منتشر شده است.

۴. پژوهشی در برخی شیوه‌های بیان قرآن کریم؛ سال ۱۳۸۲ در دانشگاه فردوسی به چاپ رسید. این اثر درواقع اجرای طرحی با همین عنوان بود که در جشنواره خوارزمی جایزه رتبه نخست پژوهشی را دریافت کرد و استاد فاضلی با جایزه مادی آن، تعدادی کامپیوتر برای استفاده طلبه‌های مدرسه دینی امام شافعی زادگاهش سقز خرید و اهدا کرد.

۵. شرح الشواهد الشعرية فی کتاب جواهر البلاغة (قسم البديع)؛ با همکاری دکتر سیدمحمد رضا ابن‌الرسول و دکتر امیر صالح معصومی سال ۱۳۹۳ در انتشارات سمت به چاپ رسیده است.

۶. شرح الشواهد الشعرية فی کتاب جواهر البلاغة (قسم الفصاحة و البلاغة و المعانی)؛ با همکاری دکتر رضا افخمی عقدا و دکتر حسین ناظری سال ۱۳۹۶ در انتشارات سمت منتشر گردید.

۷. از چشمه سار فضیلت (مقالات و یادداشت‌های استاد محمد فاضلی) جلد اول و دوم (جستارهای قرآنی و مقالاتی در زبان و ادب عرب و فارسی)؛ به کوشش سید محمد رضا ابن‌الرسول، شهباز محسنی و امیر صالح معصومی که در سال ۱۴۰۳ در انتشارات کردستان (سندج) در نهصد صفحه منتشر شده است.

۸. فصول فی النحو العربی (هنوز منتشر نشده)؛

۹. گزیده‌ای در متون نثر شیوای عربی (انتشار نیافته).

ب) تصحیح

۱۰. شرح القصيدة العمیدة؛ قصیده‌ای است با موضوع حبسیه که ابونصر عمیدالدین اسعد فالی در قلعه اشکنوان فارس سروده و خواهرزاده او قطب‌الدین محمد فالی آن را شرح کرده است. تصحیح و تعلیق این شرح سال‌هاست به انجام رسیده و استاد در انتظار نسخه نویافته‌ای بودند که کار تصحیح را کمال رسانند. اکنون و پس از ناامیدی از دسترسی به آن، در مرحله آماده‌سازی برای چاپ است.

۱۱. محاکمه انسان و حیوان (مرغزار)؛ این کتاب نوشته وقار شیرازی احمد بن محمد شفیع است که با تصحیح و تعلیقات استاد سال ۱۳۷۲ در دانشگاه فردوسی به چاپ رسید.

ج) ترجمه

۱۲. سیبویه پیشوای نحویان، تألیف علی نجدی ناصف مصری، با ترجمه و نقد و حواشی مبسوط استاد فاضلی؛ دانشگاه مشهد ۱۳۵۹.

۱۳. مسئولیت شاعر در زندگی و شعر نسل امروز، اثر سید قطب (ترجمه و نقد)، دانشگاه فردوسی، ۱۴۰۱.

ایشان همواره به تنزل جایگاه علم در دانشگاه که این روزها شاهد آنیم، انتقاد صریح داشت؛ از این رو در جایی نوشته‌اند: «من همیشه بر این باور بوده‌ام که شایستگان هیچ وقت به دانشگاه نبالیده‌اند؛ چون بنا و پله، گل و چمن، آجر و خشت، میز و مبل و صندلی حرمت‌آفرین نیستند. این حرمت‌آفرین‌ها شایستگان و بایستگانند که فضای دانشگاه را تقدس می‌بخشند و روح روان را بر سفره دانش و اندیشه میهمان می‌کنند».

راهشان پر رهرو، یادشان گرامی و جسم و روحشان در جَنّاتِ نعمات الهی در سکون و آرامش باد!